



مخطوطة

فوائد عجيبة وقواعد غريبة في الطب

المؤلف

مجهول

فوائد عجمیه

بسم الله الرحمن الرحيم

وقوله غریبه

بدانکه ارکان چهارست که تن آدمی در آن مرکب است و آنرا عناصر را بگویند یکی آتش که
گرم و خشک است و سبک از همه است و مکانش متصل به قلب است دوم هوا و آن گرم
و تر و سبک از آب و خاک است مکانش متصل از زیر آتش سیوم آب و آن سرد و تر و سبک
از خاک است و مکانش متصل به بیرو است چهارم خاک و آن سرد و خشک و گران
از همه است و مکانش مرکز است یعنی متصل به بیرون و ازین عناصر سه بجهت تولد شده
که موالید است گانه گویند - حیوانات و نباتات و جمادات همه باید دانست که در
اصطلاح اطباء خلط طبیعی آنرا گویند که در کسب متولد شود و نافع بدن باشد پس آنچه در
کسب متولد شود و لیکن بدن را از او ارتفاع نباشد یا آنکه در عضو دیگر متولد شود آنرا غیر طبیعی گویند
و در حرارت و عفونت عموم مخصوص مطلق است و عموم مذکور آنرا گویند که یکجاده اجتماع باشد
یعنی در یکجایی هر دو بهم آیند و یک ماده افتراقی یعنی در یکجاده جدا شوند و بهم نیایند
ماده اجتماعی و آنچه پست مطبقه که از عفونت خون و حرارت جمع شد که لازم است
در پس درین عفونت و حرارت یکجا جمع شود و ماده افتراقی مانند تب سوناخص حرارت خون

شبكة

الألوكة

www.alukah.net

و افزون شدن اومی شود پس برین حرارت یافته شد و عفت

رباعی چگونگی تغذیه نخه را یکی هست سده الصفرا محی و محترقه و گرانی هم باز نگارای ای انا
قول مصنف کافور بقدر دو حبه حرارت عظیم زائل کند باید که در صبیان و خصیان و زنان
منع است مگر عند الاضطرار و آن هم فلیل القدر و المقداری یکبار در سیل و چهار ۲۲
قول مصنف بلغم حصی بلغم صبیح که یکی از نوع بلغم چهارم است که آن بلغم زخم است که از
آمنیش قدری سودا با بلغم حصی حاصل میشود که آن بلغم غفص نیز گویند و آن غلیظ
ترین اسام بلغم است و از آن سه نوع بلغم صورت می گیرد و یکی بلغم زجاجی و بلغم فیاطی
و بلغم حصی پس درین بلغم که سبب سردی داخلی و خارجی خلط منجی شده این را سودا
نیاید گفت بلکه بلغم باید گفت و سودا آن است که اجزای رفیق وی سبب حرارت خشک
می شود و باقی غلیظ شده از نوع خود بر می آید سودا غیر طبعی همین است و تولد آن هم
سودا از چهار اخلاط بدین منط صورت می بندد فافهم ۲۳ سنون برای تحک و دندان
و در آن و رویانیدن گوش است لثه و مرط غضروفان پوست پدید زرد عتوله نیل سبزه تلخ عتوله
تاکو کهنه اتوله خاک سنگ سما کوفته چینه سه روز در کبرل جالد بسیار نافع - از صحرای نابل
طریق

طریق روغن نیلوفر باید که برگ نیلوفر تازه قدر یکپا و را در روغن کنجد با زیت قدر یکسیر
داخل کرده در آفتاب بگذارد چون برگ سفید شوند این نشان زوال قوت اوست
باز بگذرد همینسان هفت بار و این اگر گرم باشد در زیت روز و در سرد با چهل روز
تیار می شود این روغن خام است و این در تبر یا بلغم و بعضی برگ گل نیلوفر یا بلغم
یعنی نصف از نصف یا برابر وزن روغن کنجد یا زیت در کوبیده مالیده آب دو چند در
روغن آمیخته بچوشاند تا که آب جذب شود و روغن بماند صاف کرده بکار برد و این مال
بجرات است بسبب غلیان یعنی جوش بار و روغن زیت و یا روغن کنجد در اعتلال حاره
و بارده استعمال کردن جائز ۲۴ کما من القربا بدین قادری و روغن گل هم بدین است ۲۵
فاضل نور محمد حکیم روغن طریق روغن که دو یا بادام آنچ سبب است چنان است که بادام پاکه
تلخ یا شیرین مفته کرده قدر یکپا و در کوبیده انداخته جالد چون بروغن آید آب گرم تمام
قدر اوست قطره انداخته جالد تا که روغن جدا شود آن زمان بر آورده در ششبی داخل
کند همین سان است طریق روغن خشخاش ۲۶ فائده هر گاه افیون در گوش استعمال
کنند باید که در شیرین دختر داخل کرده چکانند تا در گوش چسبیده موجب کبری نگردد فقط

شبكة

الألوكة

www.alukah.net

فائده هر چیزی که در گوش چکانند باید که نیم گرم باشد اگر چه در امراض حاره ادویه بارده
استعمال نکنند نیز نیم گرم کنند زیرا که سردی فعلی مضرست گوش پس باید که بر دوائی
گوش بالفعل نیم گرم کنند اگر چه بالقوه سرد باشد هر سه فائده آنچون خون کشیدن
در تواریخ روشنائی ماه منع فرموده اند مخصوص حجامت است زیرا که حجامت خون
سیر و بی کثرت و در آن روزها خون صاف میل پوست می کند و خون غلیظ اندرون می آید
و مطلوب کشیدن غلیظ است بخلاف فصد که در هر تاریخ مرخص است چه در روشنائی و چه در
تاریکی ماه لیکن احوط آنکه در هفته اول از ماه و هفته آخر از ماه فصد نکنند هر سه
فائده حضرت سید الانام علیه الصلوٰة والسلام دوت میباشند حجامت را در تاریخ
هفتم و نوزدهم و بیست و یکم و حجامت روز دوشنبه و پنجشنبه امر فرموده اند و در روز
جمعه و سه شنبه و چهارشنبه و شنبه و یکشنبه منع فرموده اند مگر روز سه شنبه که هفتم
ماه باشد و در آن روز حجامت را دوائی تمام سال فرموده اند فقط فائده در روزهای
روشنائی ماه حجامت منع است زیرا که خون صاف در آن روزها بسوی پوست بر می آید
و غلیظ با ندرت میل می کند و در روزهای تاریکی ماه حجامت باید کرد که خون غلیظ بسوی
پوست

پوست می آید و صاف اندرون می رود و در حجامت خون پوست بر می آید و در آن روزها
خون غلیظ حجامت خواهد برآمد و هو المقصود ۱۲ فائده غبث خالص محض است
صفر باشد و غبث غیر خالص آنکه بدغم یا میند ۱۳ فائده بعد فصد دست بر نبض هر وقت
گذارند وقتی که از قوت ساقط و یا ضعف میل کند عصبانیت بپزند و شربت مصری بقدر
دو دام یاد و دام کلاب و هفت ماسه اسپغول و تخم ریحان و تخم بالنگواند اخته بنوشانند
برای دفع و تفریح قلب فائده در دست برابر انگشت با سلیقی برابر وسطی و انگشت برابر
سیاه و ابطنی برابر خنفر و جعل الزراح در با سلیقی و در بعضی با کمال میخیزد واقع اند
جعل الزراح بالاتر از بند دست بمفاصل چهار انگشت مضموم بزنند و صاف برابر انگشت
پای برشتانگ و عرق النساء مابین خنفر و زهر نیت پای بکشاید ۱۴ بیاض فائده
کسی که خون از گلو آید با سردی او را شربت اسپغول با پانزده بسیار بر فائده است
آزموده است در ایام سردی اسپغول خشک با پانزده هر روز سه بار نهایت که هفت
خون بند گردد بسیار تجربه در آمده است از حنظل الساذن الکرم عبه الحمد فائده
شربت بفتح شین مع قدر تناول دارد خواه سفوف خواه شربت خواه خوب خواه

مچون خواه نفع باشد آنچه وزن یکبار خورند آنرا شربت گویند است فائده سفوف که بغم
 غلیظ و رقیق را بیرون آورد و در سرفه نیز توان داد اگر تپ نباشد تر به سفیدیم تولد
 محرق موصوف مرغین بر وزن بادام برگ سناها بی چوب و صاف کرده خاک سیاه
 کنیم ماسه یعنی سوخربون روغن بادام کیمشقال ادویه کوفته پنجه مرغن بر وزن
 بادام نموده باب سرد فرو برند است اوزانی که دین بلاد مستعار است بدین طریق است که از
 چهار خردل یک برج اعتبار می کنند و از چهار برج کچو و از دو جو یک رتی و از
 هشت رتی یک ماسه و از سه ماسه یک مثقال و از سه ماسه اوله و از سه ماسه اوله
 و از سه ماسه اوله و از سه ماسه اوله و از سه ماسه اوله و از سه ماسه اوله
 یا ضح حکیم سید غلام مرتضی من عینه حکمه غریب در علامات نضج ماده غرض دادن منضج تا نطفه
 در قاروره مشا غلظ آن بعد رفت و که ورت آن بعد صفائی و در نضج مثل این آن بعد صلابت
 و عرض آن بعد رفت و اعتدال حرکت آن بعد سرعت یا بطو و در براد مثل این آن بعد پوست
 که ورت آن بعد سفیدی و بر عکس آن قیاس باید کرد پس از آن مهلت دهند علامت نضج
 صفو صفائی قاروره است رباعی نضج صفوات روز بلغم نضج سودا با پانزده روز است
 کلیه

کلیه نیت مختلف گردد اما لیکن اکثر در دل افزون است و نصف اخلاط خون بود در تن
 نشت بلغم بود شناور من ربع صفرا و نصف آن سودا قسمت اخلاط شده روشن
 اگر حکیمی صاحب کده به ورنه پیوده لاف علم مزین فائده مسهل هر خلط را مدت سه دان
 شد اقل و وسط و اکثر در آن به صفرا چهار و هفت ایام دان چاره می گیر اکثر ای حیوان
 به بلغم یازده به میت یک و چهل می دان اکثرش مادن شک به سودا دان اقلش اربعین
 اگر طشت ماه و اکثر نش گزین ما فافهم من ابیات الصدیه جهت رعا ف تخم خرفه اکه غلب
 اما سوپاری مردانه اول سوپاری نیم کوب کرده بمو غلب غلب شب در یک نیم آب نکرده
 بار در صبح بخورند چون نصف ماند آب را صاف کرده تخم خرفه را در قدری از آن آب سائیده
 باز صاف کرده قدر دو تولد شربت صندل انداخته بوشند به نیز از ترنج و نیز با ماند فلفل
 و زعفران در صانع می بدانکه می منقح معده و مقوی و روشن کننده چشم و زائل کننده
 گرانی که کبریت حرکت معده باشد و نافع برای قروح کلیه و مثانه و امراض مزمنه مثل جزام
 و استسقا و فالج و رعشه و برقان سدی مزمنه و وجع المفاصل و عنق النساء و دوالي
 و داء الفیل و موجب خفت بدن و باعث اشتها و براغذیه است فائده الصداغ من خلو

من الحجرات الثامنة الكاملة خشاش تولد لب اللوز المقشر تولد مویز منقی تولد
 نشاسته تولد زنجبیل تا زعفران اما گشیزه مقشره تا شکر سفید بر همه روغن بادکوبه
 روغن بادام تولد معجون قوی بلعوق ساخته شربت دوام بکار برده میسر و شاه
 فائده بنه زنف همین کرده قطره از آن پیش منی مسکوت بگذراند یا بر پاکب کبوتر اگر متحرک
 شود زنده است یا تخم شیر و آئینه فولاد مصیقل متصل منی بنه اگر داغ در او افتد زنده است
 یا کتوره نفیس نازک پر آب کرده بر شکم گذارند اگر حرکت آب محسوس شود زنده است یا
 مسکوت را فصد کنند اگر خون آبریزنده است یا انگشت در دبر او کنند اگر حرکت شریان که مثل
 بجان خلف است محسوس شود زنده است و همچنین حرکت شریان که بر خصیتین و عین
 و مابین دو ابرو اخصیل و زیر زبان است اگر اشتباه افتد در جای تاریک بزند اگر عکس
 چراغ در چشم او دیده شود زنده است فقط فائده حب ایارج معول میر حسام میر نور علی شاه
 شکار پوری دافع صداع و اکام نری مفید شحم حنظل تولد پوست ملیله زرد اما صمغ عربی تا
 مقل زد تولد او بر کوفته بیخه تاب بر کش گذارند در وجهها بزنند و در وقت خفتن چهار تا
 از آن تاب تازه فرود بزند همه در این اسمهای نوشته بر پیشانی بندد و نافع است
 ب

عبدالله عبید الله عمرو سلم سعید ابوبکر سلیمان حارث
 فائده معجون فلاسف و آنرا ماده الطیوة نیز گویند جهت امراض بارده دهانی مثل فالج و نسیان
 و مانند آن و جهت تقویت دماغ و حفظ فهم و فزونی عقل نافع است و در دینت و کرده و
 او جاع مفاصل مفید و مزید منی و مقوی ذکر و باه و صلب بدن و نشاط و مفرح دل
 و حسن لون و مطیب دهن و شدت دلسان و مزین صدق معده و جگر دافع قولنج بغلی
 و مفرح و رین و مصلح شش تازه و شکم بختن و شش ترش از دو مثقال تا چهار مثقال و قوش
 تا چهار سال باقی است - زنجبیل فلفل دار فلفل دار حبیبی آمله پوست بید
 شیطون بندی زراوند مروچی خصیه الثعلب مفرح جلغوزه سیج بابونه نارچیل تازه
 هر یک ده درم تخم بابونه پیچدرم مویز منقی شش درم عسل مصغی دو چند آن همه
 به طریق معروف معجون سازند و بعد بکیر و استعمال نمایند برای دکش و فزول
 صبر ادک سناگمی ادک در شهد حب بزند سه ماه در شب خورد
 بر سر لازم است فائده روغن که فالج و رزشه و خدر از اعلی سازد صفت آن روغن کجده تولد
 روغن بیدانیر تولد شیر خشک ده تولد عاقر قرحه تولد صعتر تولد سوربخان تولد

ادویه را کوفته بوقت شام در آب خیس اندیده صبح بپوش داده صاف نموده بار و غلظت مخلوط
 فرموده بپوشانند تا که آب زنده روغن جالند بعد روغن را در شیشه انداخته نگاهدارند هر روز سه
 مرتبه بدن مانند اگر قسط و با بود هر یک آنگاه افزاینده است اما محققان اطلاق
 لفظ فاج و استرخا بر بطلان حس و حرکت یک عضو و غیره بر سهیل ترادف کرده اند چنانچه
 زبان مفلوج شده یا یک انگشت شده گویند چنانچه گویند غیره تن سترخی شده ۲۴ فائده
 کل شیء حار کالاراک و الفلفل و الاذخر ۲۴ تبیر بر آوردن قذی که از اسهال
 مکنوم و عجائب منظوم است آن است که اول صاحب قذی را بر پشت بخسپانند و زیر گردن
 او چیزی نهند که سرد او زیر شود بعد آن چشم را که در وی قذی افتاده است -
 دروش و هر دو یک او زبان بلیند اغلب آن است که اول بار قذی بیرون آید
 و الا نه دویم بار نیز عمل نمایند تا سه بار انشاء الله تعالی قذی بدر شود چرت ۲۴
 سید محمد و فاعلیه الرحمه فائده و آنچه چشم ضرر دارد این است و اجتناب از آن واجب است
 ملاقات اخان و غبار و ریاح گرم و سرد و نظایر آن صیقله مرضیه که ضو او بر نور
 چشم غالب آید مثل آینه که مقابل آفتاب نهند و مگر استن بجانب چیزی بنحی که چنان نظیر تمام
 ماند

ماند و یک نزنند و مگر استن بسیار دیدن نقوش دقیقه و قرآت خطوط با یک مگر سهیل صفت
 و اکثر بر پشت خوابیدن و خواب بسیار نمودن و بر امتلائت خفتن و اطعمه و اشربه ردی الجوهیر
 و اغذیه گرم و تیز چون گندنا و سیر و پیاز بسیار خوردن و نلک در طعام بسیار کردن و جماع کثیر
 و فصد و حجامت کثیره و تناول هر چه مرض معده باشد و کذا خوردن با دروج و زیتون ملاک
 و ثبت و کذا شکر مفرط و تناول مسکرات ۲۴ قادری من عید صاحب تلخیصی سر و چشم
 پوست هلیله زرد ادرک سنا کی ادرک تربیه موصوف ادرک گلشن ۳۴ کثیره اصمغ عربی
 مصطکی ۳۴ مقل اراق ۱۸ اما صبر سفوطری ۲۴ که کوفته پیچیده بوزن کثیره بوقت
 خواب و شب بآب تخم کرم فرود بند ۲۴ سید محمد و فاشکاره علاج در چشم که جراح نشتر
 در شده باشد چشم هم بینا شود و در همچنان باشد زنجبیل زرد چوب تر
 پوست هلیله کلان اخیون بر همه سادی الوزن اخیون در آب دو چندان شده
 و غیره هر چیزیکه پخته شده در چشم و حوالی آن طلا نماید که انشاء الله تعالی درد بالکلیه
 بر طرف خواهد شود در سه روز طلا را معمول دارند تا که اثر بظهور است فقط ۲۴
 برای دفع آنری چشم پارچه نان گندم گرم کرده ساعت بساعت برابر و گذازند و تکرار کنند

ناماده به تجلیل رود یا منفر شود ^۲ فائده ایضا انگشت از دیوار کهنه بر آورده بر آب
 سائیده برابر و طرا کند و بدستور اسرب سوخته که سرخی باشد مجرب است ^۱ فقط
 صفت کل روشنائی مردارید ناسفته یکمقال پوره ارمنی دو مقال ستر
 و قرنفل و زعفران هر یک نیم مقال مشک قیراطی مایه ان چینی یک مقال رب
 کرده در چشم کشند ^۲ فقط جهت طین گوش که از خشکی دماغ باشد کند ^۳ در دم زنجبیل
 تخم خفاس ^۴ در دم مغز بادام ^۵ در دم نشاسته ^۶ در دم شکر سفید ^۷ در دم در شیر
 گاوی همه اشیا بی چینه و زردت و دونه بخورد نافع آید جهت کزیا گوش مجرب است
 بیخ تازه حفظ کوبند و شیره آن بچکانند ایضا نقطه بول شتر چند روز متواتر به ستور
 بیندازند باید که خام تازه باشد و سرد نشود بعمل آرند مجرب است جهت دخول حیوان
 فی الاذن سرکه صبر ستوطی با خود سائیده در گوش اندازند ایضا زهره بنه بدستور
 هر دو آبی که در گوش اندازند شاید که شکر گرم باشد که چیز سرد در گوش اثر کزیا پیدا کند
 غرغره که تنقیه سر و گوش را نافع است خردل قودز صعتر بیخ نمک هر یک یک که
 اندازند در شش چهارم که خشک جوشانیده ضار کرده شهبه خالص میخوردیم گرم غرغره غایند
 فائده

فائده شقاق لب و پتخاله کباب چینی دانه ایلامچی خود طباشیر منبت کعبه
 با سوه کوفته پیخته پاشند بر سینه فقط سنون مجرب از کتاب مراد علی کباب چینی و
 قاقه کبار منبت ^۱ در سنون مجرب چینه درد دندان کالی زیری ادک فلفل سیاه ادک و
 عاقر قرحه ادک زیره سفید ادک کوفته پیخته بارند سنون کشند ایضا پوست بلبه خور دادند
 فلفل ^۲ در دم حما ^۳ در دم ساذج ^۴ در دم مازو ^۵ سوخته ^۶ در دم کوفته پیخته ^۷ بر
 دندان نهند ^۸ در قادی فائده سنون دیگر صندل سفید قوئل مازو بلبه خور دیارک
 ساخته در تنه مالند ^۹ در قادی سنون که زردی و سیاهی از دندان میرد بوی دانه خوش
 کند که مزاج زنجبیل زبده العجر در فلفل قاقه هر یک در دم نیک بریان جوشند
 هفت درم کوفته پیخته سنون کند ^{۱۰} در قادی فائده بیخ درخت مغیل مسواک کند که ترک
 الاذن را نافع بود ^{۱۱} در قادی فائده نسجه حب السعال صفراوی و بلغمی و سوداوی
 نافع در برای تلبین صدر و تصدیه ری و نفث الدم سفید صفت آن رب السوس
 مویر دانه کشیده هر یک ^{۱۲} در نشاسته کثیر اصمغ عربی مغز تخم که و شیرین مغز
 تخم خیارین مغز تخم خربوزه مغز بیدانه خفاس سفید تخم خرفه کل این اصل است

هر یک یک درم مغز بادام شیرین و مقشر تخم گمان بریان هر یک دو درم تخم خطمی
 تخم خبازی هر یک نصف درم بیداب شانزده مثقال نبات حب سازند یا به
 معاب اسپغول حب حاجت خسانند به شربت زوفکیبیر جهت دفع ضیق و سعال
 بسیار به ما عتاب ادا نه نیلوفره تولد بنفشه تولد پستانا تولد گاو زبان تولد
 انجیر ادا نه مویر منقعی تولد پستانا تولد طهینی تولد زوفا تولد مصری ته پاور بسور
 معروف شربت نیار کند و آنجا ضیق غالب باشد در آب نیم گرم بنوشانند به
 در جائی که بلع غذا و شراب آب متعذر شده بسیار جانی دیدم که آب در بینی ریخته شده
 و بلق و شکم نرسیده و بیمار در پیش نمرده به نسخه جرب جهیه پوت مری که بلع دران
 متعذر باشد مغز تخم گدازه و ماه مغز بادام حلوه اما گل بنفشه اما برگ خطمی اما
 تخم حله اما گل روغن آقدا که جرب شود قدری آب انداخته چینه بین الکنتین هماد سازند و
 بر بندند بعد چهار پاس باز گرم کرده بنده باز تجدیده کل کنند به باز نامه کلی کرد در زیر چینه
 ذات الجنب صحیح آماس عشاء دردی زیر اضلاع پیش است و پس یا آماس جمله اجزای حجاب
 حاجز به ذات الجنب غیر صحیح آماس عضلات که مابین اضلاع اند یا آماس برده بیرونی که بر اضلاع
 واقع است

میان اعضا و غذا و نفس
 یا آماس حجاب حاجز
 یا آماس حجاب حاجز

واقع است به شوهه آماس عشاء دردی که زیر اضلاع خلف واقع است به خالقه آماس
 تمامی اجزاء عشاء دردی از طرف پیش و پس یا آماس جمله اجزای حجاب حاجز به
 برسام آماس حجاب که میان جگر و معده حاجز است به ذات الصدر آماس حجاب سینه
 که واقع شود در شق او که متصل سینه است به ذات العرض آماس حجاب سینه واقع در یک
 شق او که مائل بسوی پشت است به برای ضیق النفس مین مثل ۳۲ تلک سینه
 در جری ر که آب سائید گرم کردن بنوشند فی آرد دوشه روز کند به شربت کافور زبان
 بنفشه نیلوفر هر چه تولد گل سفید تولد مصری نیم انار به منضج سودا گاو زبان
 بنفشه کاسنی انگور سیاه گشنیز مصری به با آنکه فواد دل را گویند و
 چون معده نزدیک بدل است ازین سبب در دهم معده را در دل گویند در ولایت
 سنده در دهم معده را در دل گویند علاج و جمع الفواد جرب کرات مرآت گل سفید
 منزه آل قحاج یک مثقال ایلاچی خورد پیرا دانهائی دودند و بمعه پوت مصری دود که
 در سه پا و آب جوشانیده چون سیوم حصه مانند صاف کرده بنوشند گاهی بطریق بر
 ایوم می کنند به سیه محمد و فاعلیه رحمة سفوف نافع جهت دفع باد و نفخ شکم و آماس

شبكة

الألوكة

www.alukah.net

بر اعضا و اجزای سید محمد و فاعله الرحمه بیلد زرد ۶ بیلد کابلی ۶ بیلد ۶ آله
 شیطون سناکی ۶ حب السبل ۶ تریه موصوف ۶ زیره کرمانی ۶ زیره سفید
 بادیان ۲ چوب چین ۲ ربو چین ۲ دار چین ۲ کباب چین ۲ فلفل ۲
 دار فلفل ۲ فلفل مویر ۲ زنجبیل ۲ آسکنده ۲ صغتر ۲ فودنه ۲ کرفس ۲
 خردل ۲ نمک سنگ ۲ قاقه صغار ۲ زغوان ۲ خوجان ۲ گل سفید
 شکر تری مسوی مجموع روغن گاو بقدر مناسب کوفته پیچیده بروغن جبرک ده شکر
 آمیزند شربت کیمشقال دو مثقال با عرق بادیان یا بید مشک یا عرق فودنه یا عرق
 گاو زبان یا ما اورد حب مناسب ۲۰۰ سید میر محمد و فاعله الرحمه فائده جهت دفع باد گوله
 اجوان اجمود بادیان زیره سیاه زنجبیل فلفل نمک سنگه انگوزه بریان
 سپاگ تیل بریان شیطون چوک کانی سناکی فودنه انار دانه ترش از یک یک تونه
 قرنفل ۲۰۰ مایه کوفته پیچیده سفوف ۶ تا بوقت صبح و ۶ تا بوقت شام استعمال کنند
 ایضا جدوار درود که شیر بز می مسوق نموده تا که روئی بمشک خاک کند بنوشند چند روز
 بعمل آرد ۲۰۰ حب دفع قولنج و نفخ شکم دریاغ احشاء و در شکم و هیجان و پهلوی و دفع
 قبض

قبض شکم و وجع الفواد ریحی که از قبض بود صفت آن برگ سناکی مهل زرد موصوف ۵۰
 صغتر ۲۰۰ فودنه ۲۰۰ مرچ ۲۰۰ زنجبیل ۲۰۰ گل کند آفتابی ۱۰۰ ادرم شربت ازود و مثقال
 تا چهار مثقال وقت خواب شب باب بخورم ۲۰۰ از سید محمد و فاعله الرحمه فائده جهت دفع
 باد گوله فائده علاج وجع الفواد جرب گل سفید منزوع الاتحاف مثقال ایلاچی خورد بزرگانها
 بعد پوست زده عدد معوی دودک در سه یا دویشتان چون سوم حصه ماند صاف کرده
 بنوشد گاهی بره ایوم محل می کند سید محمد و فاعله الرحمه فائده غذا اقلیل الکمیت یعنی
 آن غذا بخورد که قدر آن اندک باشد و قوت آن بسیار باشد چون زرده میضه برشت و پلاو
 در پنج لپ اوری ۲۰۰ فائده سفوف جهت زلق الامعا جرب است بیلد سیاه بیلد آله
 بر سه بروغن زیت برشته هر یک پنجم زیره کرمانی خوشبو در حب الرشد یعنی هر
 بریان هر یک هفت ادرم تخم کرفس انیسون در سه که خیسانده خشک کرده و بودا
 هر یک چهار ادرم مرصطکی قرنفل عود سندی سنبل الطیب هر یک دو ادرم
 صبح و شام دو ادرم بخورد ۲۰۰ سید علی الرحمه فائده برای انقباض سده جگر و طحال
 درج آن عجیب الاثر است تخم خربوزه ۵ توله تخم خیارین ۵ توله تخم کاسنی ۵ توله



زیره سفید ماه انیسون ماه بادیان ماه تخم کزنس ماه رب السوس ماه
زرشک ماه ریوند چینی ماه زعفران ماه شنب سما مصطکی رومی ماه کافور ماه
قدر شربت ماه بگیرد فائده تشخیص بعضی اشیا بدانکه شش زیر سینت و قصبه
گردن اوست و معده از زیر استخوان صدر است و نری از حلق تا فم معده او پیوسته که آن
اعتد است و جگر زیر اضلاع راست و سکون دم و اخلاط اربعه در وی می شود چون
کیلوس از مار بقا در وی میرسد و طحال زیر پیلو چپ و مکان سودن کبچون قطره
از آن بر فم معده زبرد ادراک جوع حاصل شود قلب در اضلاع چپ قریب به فم معده و
روح در وی است و اعصاب از زیر ناف تا بالای مقعد چنانچه مستقیم معاشش انگشت از
مقعد بالاتر است فائده چهره استقاء برگ کچنار که در آوند کلان تر شده باشند و
آب آنرا غسل و وضو و آبدت کند و در آرد مده و یعنی ناگلی مخلوطا خمیر نموده نان بخورد
و آب آن غذا کند و اگر نان مذکور در روغن زرد چرب نموده بخورد هم بهتر است از حنظل
استادنا الکرم فائده اگر طحال از گرمی باشد اول فصد انگشت چپ کند بعد
سیلابی جلاب بعد مغز پوست درخت آمری بهشت پاش تر کرده باشد بنوشد چهل روز فقط

و اگر طحال از گرمی نباشد نوشتند در یک نیم تولد خردل ستول سیاه حمل کرده
۱۸ روز صبحی آب بگرم سفوف کند ماه از سیه غلام شاه بازارانی فائده علاج پز ستم
بز سوخته خاکستر آن کیتوله با شسته توک شگنین ناکه هفته بخورند ماه دیگر ترنج هر روز بر
بنار بخورند سپهر زنگ دارد و بحالت اصلی باز آرد ماه دیگر شام گوزن سومان کرده فته
وزن شده ماه با شسته مانیات کوفته بخورد و یک پیاله آب بنوشد تا سه روز ماه
سفوف تا بصل سهال بی قبض و بی ترخیر صمغ عربی برشته بادیان برشته زیره سفید
برشته زیره کرمانی برشته هر یک که آس گلنار مازو هر یک نیم که زرشک و
سماق هر یک سه مثقال تخم ریحان برشته بارتنگ برشته شکم پاره برشته هر یک درم
گل آرنج دو درم ادویه بغیر برشته تخم کوفته پنجه در برشته تخم ناکوفته دران داخل نموده نگاه
دارد صبح و شام نیم که باشد شربت مورد که از تخم و برگ مورد مایه بوشاننده در
موی مقوم ساخته اند تا اول غایه و غذا برنج نهند برشته بعد از آن پنجه در روغن
دغ کرده قدری خردل دران داخل کنند و برنج ریزند و چکیده مادگاو و لب نان میوه
گندم با جواری سفید میده کرده یا چکیده مالت گاو یعنی فحی رغبت فرشته میده دران کوبند

فائده سفوف دافع دیدان شکم اگر در جلاب نبات معجون سازند یا در عمل مختارند -
 تبیله یا بزرگ مغز نارگیل کهنه بوسیده مگر در گان هر یک سه درک ترد موصوف
 حب انیل قسط زیره سفید هر یک دو درک خردل صغیر هر یک یک درک خردل چهارده
 مصری نیم پاؤ کوفته خوب مالیده باب اسن تازده یا باب برگ نشا لوباکو تک
 بطریق سفوف رغبت فرمایند سه جهت دفع بواسیر خوبی فرموده سید محمد شجاع علی
 رسول خاص ادرک مغز چو ترکه جو کوب کرده شب در آب نیم آن اثر کرده دارند صباح
 نیم آب صاف کرده بنوشد و نیم آب بعد ظهر سه روز بر کند این وزن یک در دست غذا
 نان گندم همراه مسکه گادی بی نمک از مجربات است فائده در سیم شقاق مقعد مازو
 نشاسته کثیرا سفیداج در بیضه ماکیان رسیده طلا نایند جهت بواسیر خوبی اگر چه
 معده مویک باشد صباح بول کند از میان بول سه بار در دست کرده استنجی کند چند روز
 کند تا که فائده گردد سه از خندوم دین محمد بوبکائی فائده در جوق قولنج و در وجع
 گرده آنت که در گرده در جا نگاه ثابت باشد و از آنجا تجا و زخمی کند و چنان محسوس
 می کند بیمار که در قطن او جوایی دوزی مرکوز است و ایضا احتیاس یا قوت بول و بر
 آمدن

آمدن رنگ در بول و دیگر علامات ورم در گرده گواهی دهند بخلاف قولنج که در او در یک
 موضع ثابت میماند بلکه ممتد و منبسط میگردد و گواهی بچواسب و گواهی بخلف نامجازی
 فقرات قطن و این در باطلاق طبیعت ساکن می شود بخلاف در گرده که قتی راحت
 می گردد از مجنون حجر الیمود تخم خیارین مغز تخم خربزه حب کا کج هر یک پنج درم
 حجر الیمود اصیل پنج درم کوفته پیخته بشده بشند خوراک در درم ماله درم
 فائده بدانند که در علاج قروح کلیه و مثانه مهلت روان دارند که اعضاء عصبانی
 اند و قروح عصبه عسیر الاند مال است خصوصاً چون مزمنه شود کار مشکل شود بهتر
 آن است که بقوات یک که صلوات ملتی شود شفاعت شود مجرب است
 فائده علاج سنگسره تخم خربزه ادرک بادیان ادرک زیره سفید نیم درک هر سه را
 مالیده در نیم پاؤ آب شیره کشیده صاف نموده قدر چهار تا شوره مکی در او
 انداخته شربت کند بعد از شش ماهه ریوند چینی کوفته پیخته در دهن انداخته
 بالای آن شربت صد بنوشد به نیز شربت طاریت هفت روز کند شفا یابد
 فائده ادرک سنگسره جو کبار ادرک شوره ادرک زنجبیل ادرک آرد چوذه درخت آسره



کوفته پنجه در حضرت نعل بسیار انداخته بخورد و بنوشد نیکم که وزن بخورد کام نافع است
 مقوی باه مغز بادام ۲۰ که کشمش ۱۰ که مصری ۳۰ که کوفته در پنجه که مسکه گاوی
 خالص بر روز بر نه بار بخورد عجیب اثر است ایضا نهاری مقوی باه آرد نخود سیاه که
 مغز میندانه ۱۰ که آرد میدگندم ۳۰ که باب شسته نان پنجه کند و چار که در روغن
 و چار که شکر سفید انداخته مالیده نه بار بخورد خوب است فقط فائده علاج فموق
 چوپاش محرق یعنی مغز شاخ آهو پوست دور کرده سوخته در گوسفند درخت کبر
 یعنی سر شاخها درخت که نرم می باشد هم محرق کند را صیقل جمله اوی کوفته پنجه
 نبات برابر هم کوفته آمیزند یک کف دست نه بار بخورد و تمامت یک پاس بر شست نطفه
 باشد تا چهل روز و در این اشاعی معجون کوفتی نیز اگر شسته مال کند بهتر غذا کچنی
 یا نان یا شور یا گوشت ۱۰ که فائده عجیبه طریق معلوم کردن حمل حامله که در شکم دارد
 یا نه قدری شهد خالص در آب انداخته شربت بنوشد اگر در خمیره دهان و لانه هنر
 مجرب ۱۰ که فائده اگر بعد از ولادت زن را در دگر یا در دوزخه یا در هر دوزخه یا در
 نیم تن باشد این اودیر کند ذوق و چینی ۱۰ ایلچی ۱۰ دانه بادیان ۳۰ یاغ انیون
 ریش

استعمال

ریش نارگیل ۱۰۰۰ مصری نیم پاو در یک توبه آب جوشانیده چون نیم باقی ماند صاف
 کرده سه روز بنوشد فائده گرد در سه روز بر گان کزائی برای حمل فموق انیون یک نخود
 جعفریک رنی ایلچی خورد عددان خصیه زکنجنگ یک عدد اودیر کوفته پنجه
 در خصیه کنجنگ کبرل نموده چهار غلوه بندد در ابتدا ۶ روز حیض بردارد تا چها
 روز چنانچه این دوا در هر کجا تمام شود بده مشغول بصحبت شوند ۱۰ فائده دوا
 که در رحم که در شروع حیض یا بعد ولادت یا پس از جماع پدید آید ساکن کند بر گتم
 در ظرفی نهاده گرم کنند بر عانه بندند ۱۰ برای استفا حامله و بچه پوست مار در زیر
 خود دود کند بیفتد ۱۰ اگر انگزه هنگ بندی و کز چوشاند و شیر گرم بخورد
 در حال استفا حامل شود ۱۰ فائده سفوف در با مغز تخم پیلید با سوبه کوفته پنجه
 در فرج زن مالذ ضیق تمام آرد این دوا اگر در سوراخ رحم نهند فراسم آرد ۱۰ حمل
 که حیض فرود آرد کانی را که هفت سال حیض اولیده باشد باین دوا کشاده شود مغز کبی
 بودنه کوی هر یک ۳۰ درم ابلعل یعنی اهو پیر هیت درم سداب خشک کرده ده درم
 مویربیدانه بیت درم کوفته پنجه بزهره گاوشسته به چشم باند یا نپسته اوده حمل کند ۱۰

فائده غذا منصوره و مولد خون مثل زرده بر ضد مرغ نیم برشته و شور باده مرغ خرب و
 گوشت او و گوشت بره یکاله و شیر و شیرینی و شراب مثلت و شراب حلوا یا
 فائده باید دانست که مزاج رحم علاقه همچون مزاج انسان است راغب بر عطریات و متغیر
 از عفو مات و چونکه سبب اختناق رحم تقلص و تشنج و میلان رحم است بفق و علاج آن اول
 وی است بر اسفل لهذا آنچه عفو مات پیش بینی و طلاء عطریات و بنفشه از راه فرج لازم تا رحم
 بطوریت تقاضا طبع خویش از فوق متغیر شده بر اسفل مائل گردد و شربت اسطوخودوس
 که مخصوص بر وجه مفرد است و در اینجا که حرارت نباشد آب حیات است ضرباه مراراً فوجده تا فافا
 سه باره و فاعلیه بر برای تب دق و تب کهنه و غیره مجرب گشته است گلو سر تا طباشیر سه ماه
 ایلامی خورد سه ماه موی و تا هر چه چهار پرتی سازد چهار یک پرتی با قدری شربت نیلوفر با
 موی بخورد سه ماه برای تب که بکوه سردی آید فلفل سیاه اتول زیره سفید اتول اجوان اتول
 در یک نیم با آب شربت کرده صبحی جوشانیده چون نصف ماند صاف کرده بنوشد سه روز کند
 از پیر عبد الرشید شاه سکن مذنی برای تب پر قسم اندازد در نرس تا تخم باد رنگ تا فودنه تا
 بادیان تا کوفته پیخته بنوشد سه ماه سوربجان مجرب بزرگ حال برگ کشمال سوربجان ام
 گف

گف دریا ادرم نمک سنگ ادرم کوفته پیخته در شنبه صبحها بنهند برابر نخود و این جلد در شربت قوی
 مزاج است سه ایضا چوب چینی نیم آنرا شیطون اتول اسکند اتول زنجبیل اتول سوربجان اتول
 پوره صندل اتول ریوند خطائی اتول دارچینی اتول دانه قاقلین اتول مغز کشمیر ع اتول
 انیسون اتول موی نیم آنرا کوفته پیخته بر دهن بر دهن کا و کرده قدر بکنول صبح و شام بکنول بر دهن
 فودنه و عرق شایتره و عرق گاو زبان و کونگ غذا ستر ادویه چوب چینی نایب سه برای
 تب کهنه که بی هیچ وجه بنگردد و او رنگ تا بادیان تا فلفل سیاه ایلامی دانه فودنه تا
 همه شایه کوفته در آب سه روز بنوشد سه ماه افضل بکاتی علیله که برای تب صفراوی ایلامی دوام
 شکر تری دوام در حمره گلی نوانداخته در سه با آب شربت کرده در هوا نگاهدارد بوقت صبح
 صاف کرده بنوشد هر روز تا پنج روز بعد از آن سه ماه جهت بکردن ریش سیاه کشنده سرخ از
 ماکیان گرفته چند روز بر موضع ریش بند فائده کلی گردد مجرب است قره بعد از آن فائده ادویه
 منقوه صابون اشجار عروس در برده یعنی کاکج که پنهان بکنند پنجاه کوزه استخوان سوخته
 مغز پیخته دانه با سوید آرد جواری برابر مجموع در دوز همیشه بزند که کانه کند سه ماه
 ضما و بنا بر انجارد مل دو رم جرب و لازم است موم صابون مقل زرد روشن گل آرد جواری طریق



ساضن این است - ادویه کوفته پنجه قدری آب انداخته بر آتش بزند و ضماد سازند همه جهت بر آوردن
 ریش و گندگی دندان و جرح ربول چینی را سائیده قطعه پارچه تر کرده برایش بنهد فائده بخشند
 فائده مرهم برای از پیر میان عبدالرشید صفا مذکور برای ناصور مجرب گشته است آرد استخوان انوله رسبوزانوله
 جوز انوله مردانگ انوله موم سفید پاره کرده استخوان انسان پاره کرده روغن گادی انوله موم
 در کینچی گذازیده همه دوادران داخل ساخته چون بکذات مثل مسکه شود بکار برد بجز پاره
 فائده از پیر آدم خان برده می برای خشک شدن جراحت و دفع امراض بادی - زریق نیمه که
 موصلی سفید اوکه موصلی سیاه اوکه کنجد اوکه قند سیاه اوکه ادویه را بعد از سحق
 بلنج چهل گوی بندد یکی صبح دیگر شام چون چهار پنج روز کند شفا شود و او موقوف کند
 و شیر و شکر خورد اوکه علاج دفع خارش بدن مردانگ کیتوله را پنجه توله اجوان بر
 نابه سفال بوداده آتش کند چون اجوان مسحوق سوخته گردد و مردانگ غیر مسحوق
 بباله برابر مردانگ گندرف یعنی کبیرت وزن کرده نه حصه کند کچمه هر روز در مسکه
 خوارند بادی و ترشیه بر سر لازم گیرد اوکه حکیم غلام مرتضی شاه جهت ناصور مجرب گشته
 ناضن انسان همچنان خام آرد مسحوق نموده با قند سیاه سحق بلنج کرده بر ناصور چند روز بنده نگردد

و انداز ناضن اوکه بوده باشد اوکه از سید محمود شاه مذکور است بالخیر

